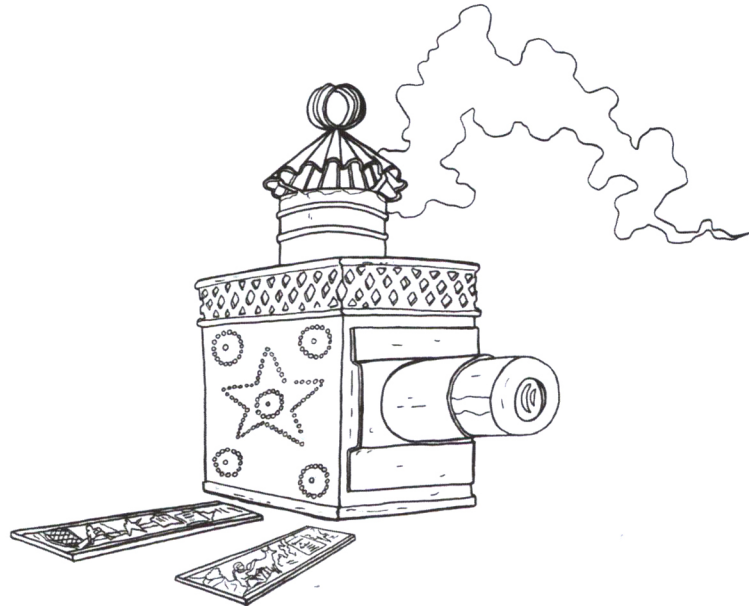


مارسل پروست  
بازآفرینی استفان اوئه

# در جستجوی زمان از دست رفته کومبره



ترجمهٔ مریم کهنسال نودهی، کاوه فولادی نسب





این صدای سوانه

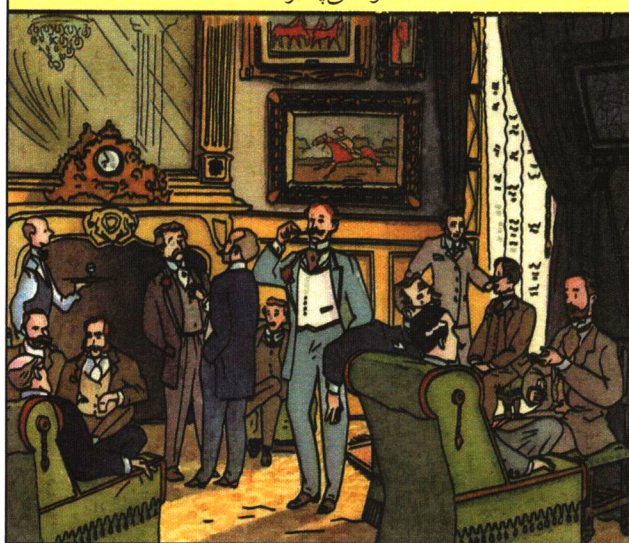
آقای سوان، با این که خیلی کم سن و سال تر از پدربرگم بود، علاقه زیادی به او داشت پدربرگم یکی از بهترین دوست‌های پدر سوان بود



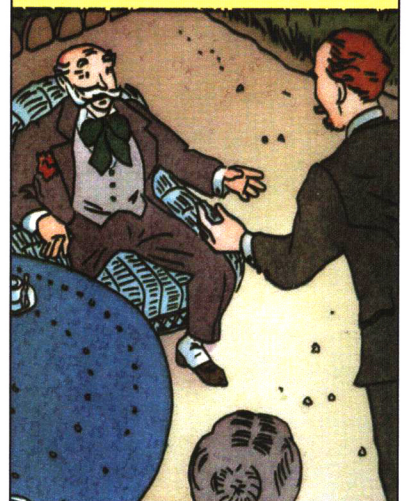
دوست مخصوص کنت ناریس و شاهزاده ولر



عمه‌برگ و پدربرگ و مادربرگم هیچ‌کس نرسیده بودند که دارند یکی از برابری‌ترین اعضای باشگاه سوارکاران را به برد خود می‌پذیرند



به هر حال با این که آقای سوان جوان سال‌های سال، به خصوص قبل ازدواجش، همیشه به دیدن ما در کومره می‌آمد



اگر بحث به اعضای خانواده سلطنتی فراسه می‌کشید



و بدون او با هم اموراتمون به خوبی می‌گذره، نه؟

آدمایی که - شما و من - هیچ وقت به عمرمون ناهاشون آشنا نمی‌شیم،

یکی از محبوب‌ترین مردهای محفل اشرافی فوبورس-ژرمن



عمه‌برگم این‌طور بی‌ملاحظه با او رفتار می‌کرد و در مواجهه با موحودی چنان فرسخته، گستاخی ساده‌دلانه کودکی را داشت که موقع ناری تا عتیقه‌های یک کلکسیونر ملاحظه کم‌تری به حرج می‌دهد تا وقت ناری با یک اسباب‌ناری ارزان قیمت شخصیت اجتماعی ما ساخته فکر دیگران است خودمان هم سروشکل کسی را که می‌بینیم، پر می‌کسم از تصوراتی که در باره او داریم